

چاپ
چهارم

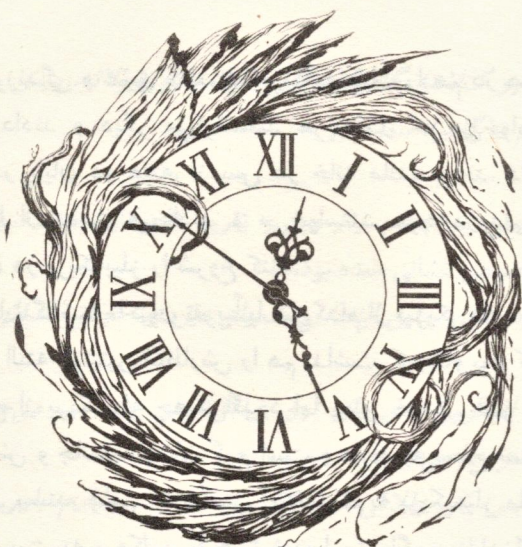
© Copyright
انتشار رسمی با خرید کپی رایت

جلد اول
بخش دوم

جادوگران

جادوگران

لو گراسمن
اشکان کریمیان



پایان تحصیلات

از جهتی می‌شد گفت سفر افتضاحی بوده است. اصلاً بیرون نمی‌رفتند، مگر چند بار که برای پیاده‌روی در سرمای خشک خیابان‌های بلاشهر *اوربانا*¹ از خانه خارج شدند که آن هم بسیار تندتند راه می‌رفتند و زود برگشتند. شهر آن قدر خلوت و بی‌روح بود که کوئنتین حس می‌کرد در هر لحظه ممکن است زمین دهان باز کند و آن‌ها را بخورد. اما جدا از این موضوع، حسابی خوش گذشت. باعث شد آلیس و کوئنتین به هم نزدیک‌تر شوند. باعث شد کوئنتین متوجه شود که چرا آلیس آن‌گونه است. حتی یک بار هم دعوای‌شان نشد. تازه، پدر و مادر آلیس هم که دقیقاً نقطه‌ی مخالف آن‌ها بودند، برخلاف انتظار، باعث می‌شدند کوئنتین و آلیس

¹ Urbana